



از فطرت عفاف تا حکمت حجاب/ نگاهی به اثرات فردی و اجتماعی واجب مهجور

بروز و گسترش بدحجابی سلامت و امنیت جامعه را به طور جدی به مخاطره می‌اندازد به طوری که نه تنها حرمت خود فرد بلکه حرمت جامعه را نیز مورد آماج بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، بهداشتی و حقوقی قرار می‌دهد.

بروز و گسترش بدحجابی سلامت و امنیت جامعه را به طور جدی به مخاطره می‌اندازد به طوری که نه تنها حرمت خود فرد بلکه حرمت جامعه را نیز مورد آماج بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، بهداشتی و حقوقی قرار می‌دهد.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، عفاف به عنوان یک فرهنگ، روش و منش مسلمانان را تبیین کرده و به آنها چگونه بودن و چگونه زیستن را آموزش می‌دهد.

هر جامعه دارای فرهنگ معین و با اهدافی از پیش تعریف شده است، بخش مهمی از فرهنگی که قرآن به جوامع اسلامی عرضه می‌کند فرهنگ عفاف بوده که هدف آن امنیت جنسی زن و مرد و رسیدن به کمال مطلوب است و بخش عظیمی از این فرهنگ با شکوه عفاف را حجاب تشکیل می‌دهد.

به عبارت دیگر این دو جدایی ناپذیرند و بدون یکدیگر معنای حقیقی و اصیل خود را از دست می‌دهند به گونه‌ای که حجاب بدون عفاف خود نوعی برهنگی فرهنگی در جهت گسترش فساد محسوب می‌شود، اما قرآن در رابطه منطقی بین این دو چه می‌گوید؟

درواقع حیا و عفاف از ویژگی‌های درونی انسان است اما حجاب به شکل، قالب، نوع و چگونگی پوشش بر می‌گردد. تفاوت باطن و ظاهر، جسم و روح و یا گوهر و صدف را می‌توان به عنوان تمثیل در این زمینه به کار برد؛ یعنی حجاب و عفاف دو حقیقت محسوب می‌شوند که میزان وابستگی این دو به هم نیاز به تأمل دارد.

از طرف دیگر ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را باید در لابلای افکار و عقاید آنها جستجو کرد، فکر این نسل از نظر مذهبی آن‌چنان که باید و شاید راهنمایی نشده و از این نظر فوق‌العاده نیازمند است.

لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم اسلامی بوده و در قرآن کریم نیز درباره این مطلب تصریح شده است، لزوم پوشیدن خود از مرد بیگانه توسط زن یکی از مظاهر حریم میان مردان و زنان اجنبی است، هم چنان‌که عدم جواز خلوت میان اجنبی و اجنبیه یکی دیگر از مظاهر آن به شمار می‌رود.

حجاب و عفاف؛ تجلی حکمت و مصلحت الهی

نگاه اسلام به زن همراه با حرمت و کرامت است، اسلام در بدو پیدایش زنان را از اسارت فرهنگ جاهلی نجات داد و قدر و منزلت و شخصیت انسانی از دست رفته آنها در فرهنگ جاهلی مرد سالار را احیا کرد. اگر چه در دوران مدرن نیز اندیشه‌های فمینیستی مدافع حقوق زنان تلاش زیادی جهت رفع تبعیض از این قشر کرده‌اند اما در این راه دچار افراط شده و به نحوی زن بودن زن و تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس را فراموش کرده‌اند به گونه‌ای که روابط سالم بین دو جنس و حتی زنان و دختران را زیر چتر زنان همجنس‌باز از بین برده اند و بدین طریق بنیان نظام خانواده را متزلزل کرده‌اند.

مطرح شدن چنین اندیشه‌هایی در جهان و بالطبع در جامعه ما به دلیل گسترش ارتباطات جهانی، ضرورت بررسی تجویز ارزش‌های اخلاقی چون حجاب و عفاف و کارکردهای آن را بیش از پیش هویدا کرده است.

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده‌اند. این آموزه‌های رفیع از خالق حکیمی تجلی یافته که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی و فردی و اجتماعی کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با این فلسفه و حکمت حکیمانه صادر شده است.

تاریخچه حجاب

یافته‌ها و کتاب‌های تاریخی نشان می‌دهد حجاب قبل از اسلام نیز در میان بعضی ملل وجود داشته است. از جمله این‌که در ایران باستان، میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آن‌چه در قانون اسلام آمده نیز سخت‌تر بوده است، اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است.

به هر حال آنچه مسلم است این است که قبل از اسلام حجاب در جهان وجود داشته و اسلام مبتکر آن نیست، اما این‌که حدود حجاب اسلامی با حجابی که در ملل باستان بود یکی است یا نه و دیگر این‌که علت و فلسفه‌ای که از نظر اسلام حجاب را لازم می‌سازد همان علت و فلسفه‌ای است که در جاهای دیگر جهان منشأ پدید آمدن حجاب شده است، جای بحث و مناقشه دارد.

علت و فلسفه پیدا شدن حجاب چیست؟ چطور شد که در میان همه یا بعضی ملل باستان پدید آمد؟ اسلام که دینی است که در همه دستورهای خویش فلسفه و منظوری دارد چرا و روی چه مصلحتی حجاب را تأیید و یا تأسیس کرد؟

مخالفان حجاب سعی کرده‌اند جریانات ظالمانه‌ای را به عنوان علت پیدا شدن حجاب ذکر کنند. در باب علت پیدا شدن حجاب نظریات گوناگونی ابراز شده و غالباً این علت‌ها برای ظالمانه و یا جاهلانه جلوه دادن حجاب ذکر شده است.

برخی از این علل عبارت‌اند از:

- 1- میل به ریاضت و رهبانیت (ریشه فلسفی).
- 2- عدم امنیت و عدالت اجتماعی (ریشه اجتماعی).
- 3- پدرشاهی و تسلط مرد بر زن و استثمار نیروی وی در جهت منافع اقتصادی مرد (ریشه اقتصادی).
- 4- حسادت و خودخواهی مرد (ریشه اخلاقی).
- 5- عادت زنانگی زن و احساس او به این‌که در خلقت از مرد چیزی کم دارد، به علاوه مقررات خشنی که در زمینه پلیدی او و ترک معاشرت با او در ایام عادت وضع شده است. (ریشه روانی)

علل مذکور یا به هیچ وجه تأثیری در پیدایش حجاب در هیچ نقطه از جهان نداشته و بی‌جهت آن‌را به نام علت حجاب ذکر کرده‌اند و یا فرضاً در پدید آمدن بعضی از سیستم‌های غیراسلامی تأثیر داشته اما در حجاب اسلامی تأثیر نداشته است؛ یعنی حکمت و فلسفه‌ای که در اسلام سبب تشریع حجاب شده، نبوده است.

مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت واژه حجاب به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. ابن درید می‌گوید: «حجبت الشيء.. اذا سترته و الحجاب: الستير... احتجبت الشمس في السحاب اذا تستترت فيه؛ حجاب پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود عرب می‌گوید: احتجبت الشمس في السحاب».

فیومی این واژه را چنین توضیح می‌دهد: حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده حجاب می‌گویند زیرا مانع از دیدن است و به دربان حجاب گفته می‌شود زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌گردد ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود.

از گفتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت که در زبان عرب حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن شیئی پوشانده شده می‌شود. شهید مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود درباره این واژه را چنین بیان می‌کند: «کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حجاب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است».

شهید مطهری می‌فرماید: قرآن کریم در داستان سلیمان غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: «حتی توارت بالحجاب»؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. تعبیر حجاب با همین معنا در آیه 51 سوره شوری و نیز در آیه 53 سوره احزاب به کار برده شده است... در دستوری که امیر المومنین (ع) به مالک اشتر نوشته است، می‌فرماید: «فلا تطولن احتجابک عن رعیتک؛ در میان مردم باش و کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن»؛ یعنی حجاب و دربان تو را از مردم جدا نکند بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده.

حجاب، مایه آرامش خانواده

حجاب عاملی بسیار مهم و تأثیرگذار برای حفظ آرامش و صفا و صمیمیت در زندگی خانوادگی است. حجاب برای این است که زندگی‌ها از هم نگسلد و مردان به زنان و دختران پاکدامن و عفیف نگاه آلوده نکرده و اساس خانه و خانواده را ویران نسازند.

همچنین حجاب عاملی است در جهت حفظ پاک‌ی نسل و این‌که فرزند، پدر و مادر معین و متعهدی داشته باشد و از تربیت و محبت پدر و مادر خود برخوردار باشد از طرفی حجاب می‌تواند راهکاری باشد بر تسلط معنوی زن بر مرد.

حجاب، وسیله حفاظت

در صورت حفظ ارزش حجاب مردان فقط در محیط خانوادگی از همسران قانونی خود کام‌جویی می‌کنند؛ زیرا زنان نیز از این‌که مردان را در خارج از کانون خانواده کام‌یاب سازند، منع شده‌اند.

این محدودیت و در واقع مصلحت خداوندی به یقین نتایج خوبی را در بر خواهد داشت؛ همچون:

1- تأمین بهداشت روانی: وقتی بین زن و مرد حریمی وجود نداشته باشد به طور قطع هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی افزون می‌شود و تقاضای شهوی به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی‌آید.

2- گرمی و دوام خانواده: اگر زن و شوهر از هرگونه کام‌جویی نامشروع جنسی چشم‌پوشند، مرد چشم به زن دیگری نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد کانون خانواده گرم و پرشکوه خواهد شد.

حجاب، نشانه متانت و عفت

برای حفظ امنیت و صفا و پایداری خانواده، زن و شوهر هر یک وظایفی دارند؛ زن وظیفه دارد جمال و زیبایی خود را از نامحرمان بپوشاند و طنازی و دلبری نکند و به این ترتیب، امانت و وفاداری و علاقه خود را نسبت به شوهرش اثبات کند.

مرد هم وظیفه دارد وفادار باشد و از زنان نامحرم و بیگانه به کلی چشم‌پوشد و اگر هم ناخودآگاه و بی اختیار چشمش به زنی افتاد، فوراً دیده‌بربندد و چشم فرو گیرد؛ زیرا پی‌گیری نگاه و نگاه‌های پی در پی آتش هوس و شهوت را برمی‌افروزد و همین موجب انحراف می‌شود.

نگاه پی در پی زهرآلود است و چشمه زلال و باصفای زندگی خانوادگی را کدر و مسموم می‌کند. این نکته را نیز نباید از نظر دور نگاه داریم که رعایت حجاب و متانت اسلامی در برابر خویشاوندان واجب و عدم رعایت آن گناه است و چه بسا موجب ناراحتی زن و شوهر از یکدیگر شود و از صفا و محبتی که بین آنهاست، بکاهد. پس چه خوب است که به این سخن از پیامبر اکرم (ص) توجه کنیم که می‌فرماید: «هر لباسی که بدن زن را بپوشاند باعث آمزش و رحمت حق تعالی خواهد شد» و چه زیبا در جایی دیگر فرمود: «زن، زیاروی و محبوب است هر کس او را گرفت و با او ازدواج کرد، باید او را بپوشاند».

آثار و فواید حجاب

1- حرمت بخشیدن به زن: زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه بوده و حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است.

2- مبارزه با نفس: میل به خودنمایی و جلوه‌گری به مصالحی در سرشت زن نهفته شده و باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی‌گمان این گرایش در وجود زن اگر هم‌چون سایر میل‌ها به درستی به کار گرفته شود ثمرات مطلوبی داشته، در جهت کمال او کارآمد خواهد بود و در مسیر فراهم آوردن محیطی مناسب برای زندگی وی سودمند خواهد شد؛ چرا که هیچ گرایش درونی بدون دلیل در جان انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه‌گری همواره و در همه جا نمود داشته باشد، قطعاً فسادآفرین بوده و باعث ایجاد زمینه‌های ناهنجاری در جامعه خواهد شد.

3- جواز حضور در اجتماع: بدون هیچ تردیدی زن بخشی عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه را تشکیل می‌دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند نقش‌آفرینی مهمی داشته باشد. اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور در اجتماع را برای او صادر کرده و از سوی دیگر جلوی فسادگستری و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. همه آحاد جامعه در مقابل سلامت نفسانی جامعه مسؤولند اما در این میان مسؤولیت مهم‌تر بر دوش بانوان است.

4- آرامش روانی جامعه: از جمله فلسفه‌های اصلی حجاب ایجاد آرامش روانی و امنیت روحی در جامعه است؛ چرا که امنیت و آرامش در ابعاد مختلف زندگی از حقوق مسلم همه شهروندان بوده و هیچ کس حق ندارد به بهانه‌های مختلف موجبات سلب آسایش دیگران را فراهم کند.

اگر چه همه مکاتب و مذاهب در نکوهش مردم‌آزاری و ایجاد مزاحمت برای دیگران اتفاق نظر دارند اما افراد مادی‌نگر و دنیا‌زده که آسایش و آرامش دو گیتی را فقط در امور مادی خلاصه می‌کنند، مزاحمت و آزار را هم فقط مزاحمت‌های بدنی و مادی می‌دانند در حالی که آزارهای روحی و معنوی و توهین به اعتقادات و مقدسات دیگران بسیار زشت‌تر از سایر آزارها است.

اگر چه حجاب خواهران و پوشش برادران تا حدی یک امر شخصی و سلیقه‌ای و انتخابی است اما اصل مسأله پوشش داشتن با تفاوت‌های خاص مربوط به زن و مرد امری اجتماعی بوده و تکلیف است نه حق. هر انسانی که در جامعه زندگی می‌کند مکلف و موظف است به حقوق سایرین احترام گذاشته و کاری نکند که باعث آزار و صدمه به دیگران شود و چه صدمه و آسیبی بالاتر از تحریک شهوت در نیروی جوان کشور؟ کدام ظلم و گناه بالاتر از این که خانمی با آرایش‌های آن‌چنانی و اجرای نمایش‌های زننده در کوچه و بازار در ذهن و فکر جوانان معصوم و ناپخته آشوب به پا کرده و آتش عشق‌های خیابانی و هوس‌های خانمان سوز را روشن کند؟ کدام خیانت بالاتر از آن که غرایز خفته نسل جوان را بیدار کنیم بدون این که امکان اشباع آنها وجود داشته باشد؟

5- حجاب و معنویت: یکی از آثار و فوایدی که برای حجاب در قرآن ذکر شده علاوه بر حفظ آرامش روانی کل جامعه، حفظ بانوان از آزار و اذیت افراد بی سر و پا است که در همه جوامع کم و بیش وجود دارند، از این نظر حجاب نوعی هویت است نه محدودیت و همان گونه که گل‌های زیبا و خوش رنگ و بو باید در حصار خارها قرار گیرند تا از دستبرد کودکان بازیگوش در امان بمانند، زنان نیز باید گلبرگ‌های وجود خود را در پوشش‌های مناسب قرار دهند تا از نیش و نوش نگاه نامردان و نامحرمان دور بمانند.

خداوند در قرآن کریم در آیه 59 سوره احزاب فلسفه حجاب را مد نظر قرار داده و خطاب به حضرت محمد(ص) می‌فرماید: «ای پیامبر به همسران و دختران و به مؤمنان بگو که روسری‌های خویش را به خود نزدیک کرده و همچون زنان عفیف بیوشانند تا به عفت و پاکدامنی شناخته شده و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و خدا آمرزنده و مهربان است».

6- ایجاد امنیت: جامعه موظف است امنیت را در ابعاد مختلف برای افراد فراهم سازد، بخش عمده‌ای از این مهم به عهده زنان است که با حفظ پوشش به این امر جامعه عمل بیوشانند.

در سایه رعایت حجاب، زن با شهامت هر چه تمام‌تر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی‌شود. به همین دلیل اعتقاد داریم پوشش، امنیت را در جامعه فراهم می‌کند و در حریم پوشش است که می‌توان با خیالی آسوده به جامعه آمد و به فعالیت پرداخت و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماع تحقق بخشید.

7- حفظ بنیان خانواده: از دیگر فلسفه‌ها و فواید حجاب تأثیر آن در استحکام و تداوم هسته اصلی جامعه یعنی خانواده است. رابطه حجاب و تأثیر آن در حفظ بنیاد خانواده و یا اثری که بدحجابی در تزلزل و نابودی ساختار خانواده دارد را می‌توان از دو بعد بررسی کرد:

نظریات و ادله

الف- نظریه‌های مختلف در مورد حجاب

1- نظریه زیست‌شناسان: برخی از زیست‌شناسان به وجود نوعی احساس حیا و خجلت در جنس ماده اشاره می‌کنند و منشأ حشمت و حجاب زنان را نیز همان حیا می‌دانند، دکتر فخری، فیزیولوژیست مصری در این باره چنین می‌گوید: «ریشه و مبدأ حجاب همان احساس حیا و خجلت است زیرا انسان از آن جهت که از چیزی احساس حیا می‌کند از ظهور آن نزد دیگر مردمان دوری می‌ورزد و از همین احساس حیا، پوشاندن و حجاب سرچشمه می‌گیرد».

2- نظریه روانشناسان: برخی از روانشناسان در تأیید این مطلب که حجاب و پوشش زن فطری است، از وجود حیا در نهاد انسان نام می‌برند که به دو صورت بازدارنده و هدایت‌کننده ایفای نقش می‌کند بدین‌سان از نظر آنها حیا تعدیل‌کننده غرایز و ضامن اجرای بسیاری از قوانین اجتماعی و اخلاقی است.

روانشناسان معتقدند که حیا با آفرینش زن به هم آمیخته و تغییرات جسمی دوران بلوغ که معمولاً با بروز حالات روحی و روانی مختلفی همراه است عامل درونی حیا را به نمایش می‌گذارد.

3- نظریه جامعه‌شناسان: از آن‌جا که انسان موجودی است اجتماعی و به تعبیر دیگر طبع مدنی دارد، جامعه‌شناسان حجاب و پوشش زن را مقتضای طبیعی جامعه بشری معرفی کرده‌اند، در کتاب زن از نظر حقوق اسلامی چنین آمده است: «لزوم پوشانیدن زن در برابر مردان یکی از امور طبیعی است؛ زیرا با ثابت بودن این اصل که هر چه زن به تقوا و عفاف و پرهیزکاری از هر گونه اعمال مخالف عفت مایل‌تر باشد اساس زندگی خانوادگی مستحکم‌تر و در نتیجه سعادت و رفاه اجتماعی کامل‌تر خواهد بود. جای تردید باقی نمی‌ماند که زنان مؤظفند به منظور جلوگیری از شیوع زنا و تحریک احساسات پست شهوی، با لباس ساده خود را بیوشانند و هنگام معاشرت با مردان و بیرون رفتن از منزل و شرکت در مجالس از پرده‌داری خودداری کنند».

حجاب در ایران

با ورود اسلام به ایران تمدن ایرانی شکلی دیگر به خود گرفت و رفته رفته فرهنگ‌ها، باورها، عقاید و سنت‌های محدود و دست و پاگیر گذشته و بعضاً افراطی شکل نهاده‌تر یافت. چنان‌چه می‌توان گفت فرهنگ ایرانی اسلامی جایگاه واقعی خود را بعد از گذشت چندین قرن بازیافت؛ چرا که با ورود اسلام آزادی‌های رنگارنگی که تا آن روز جهان هم در خواب ندیده بود در چارچوبی قانونمند ظاهر شد، آزادی حقوق زنان و قداست بخشیدن به شخصیت و پایگاه و منزلت اجتماعی آنها شاید تنها نمونه کوچکی باشد که بر آن دست نهاده ایم چرا که زنان در سایه همین اسلام قدیسه‌ای شدند آسمانی، که بعدها با برقراری حکومت اسلامی در ایران به الگو و حتی اسطوره‌ای برای زنان مدرن غربی تبدیل شدند.

تحلیل و بررسی حجاب

عوامل بد حجابی: عوامل بد حجابی در جامعه از دو عامل بیرونی و درونی نشأت می‌گیرد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

الف) عوامل بیرونی ترویج بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه

1- بیم دشمنان انقلاب اسلامی از اصول‌گرایی و رشد روزافزون معنویت در مقابل ماتریالیسم غربی و در نتیجه مقابله با پیشرفت چنین آموزه‌ای در ایران و جلوگیری از ورود و صدور آن به دیگر کشورها و به خطر افتادن منافع آنها.

2- تبلیغات گسترده فرهنگی و تهاجم نرم دشمنان علی‌الخصوص آمریکا و استکبار جهانی با استفاده از ماهواره، اینترنت و ... به منظور جلوگیری از ترویج اسلام‌گرایی در جهان خصوصاً در کشورهای غربی.

3- بی‌هویت کردن نسل‌های آینده جمهوری اسلامی و بی‌تفاوت کردن نسل فعلی و تخریب آموزه‌های نسل اول و دوم انقلاب اسلامی.

4- فشارهای سیاسی بر نظام بین‌الملل و سازمان‌های وابسته به آن در برخورد با جمهوری اسلامی ایران از قبیل سازمان حقوق بشر، کنوانسیون برابری حقوق زن و مرد، یونسکو و ... با توجیهات کاذبانه عدم وجود آزادی، وجود زندانیان سیاسی، پایمال کردن حقوق زنان و ... در ایران.

5- ارائه مدهای غربی منطبق با نوع حکومت ماتریالیستی به عنوان الگو و سنبل پیشرفت و مقابله با الگوهای برتر اسلامی و ایرانی.

6- ایجاد جو ناخرسندی عمومی از حکومت جمهوری اسلامی و بزرگ‌نمایی مشکلات احتمالی با تبلیغات گسترده و ایجاد جو بدبینی نسبت به نهادهای نظارت و هدایت‌کننده مانند سپاه، بسیج، قوه قضاییه و ...

ب) عوامل درونی بدحجابی و بی‌حجابی

- 1- بی‌تفاوتی حکومت و مردم نسبت به شیوع منکر و کم‌توجهی و یا بی‌توجهی نسبت به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر.
- 2- تبدیل شدن ناهنجاری‌ها به هنجارها به دلیل بی‌توجهی و یا کم‌توجهی مردم و حکومت به ناهنجارها.
- 3- تولید الگوها و محصولات فرهنگی و البسه‌های غیرمستعارف با مدهای غربی و عرضه ارزان قیمت آن به بازار خرید.
- 4- **برخوردهای غیراصولی و غیرکارشناسانه با پدیده بدحجابی در بین جوانان و مردم و جری کردن آنان در برخوردها.**
- 5- منفی‌نگری به پدیده ارزشمند حجاب و عدم توجه به نقاط مثبت حجاب و تبلیغ آن از طریق رسانه های گروهی به‌خصوص صدا و سیما، تئاتر و سینما و ...
- 6- عدم ارائه الگوی مناسب و در خور شأن حجاب در نظام مقدس جمهوری اسلامی.
- 7- بی‌تفاوتی و بی‌توجهی دستگاه های فرهنگی جامعه از قبیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، صدا و سیما و در مورد حجاب در مواجهه با مردم به‌خصوص جوانان.
- 8- **خصوصی‌سازی مراکز و مؤسسات فرهنگی و ارائه محصولات بدون توجه کافی و نظارت کامل به کیفیت و نحوه فعالیت آنها.**
- 9- فاصله گرفتن جوانان از آموزه‌های دینی و فرهنگ غنی اسلام به دلیل تبلیغ غلط آن و عدم توجه به خواسته‌های منطقی آنها.
- 10- عدم تعیین حدود مشخص عملی و اجرایی در قانون برای مقابله دستگاه‌های قضایی و انتظامی با بی‌حجابی و بدحجابی.
- 11- عدم توجه والدین به رعایت اصول اخلاقی و نوع پوشش لازم در منزل و در حضور فرزندان.
- 12- برخورد غیراصولی و غیرمنطقی با پدیده‌های تکنولوژی مانند ماهواره و اینترنت و عدم توانایی در ارائه تکنولوژی برتر برای جایگزینی.

پاسخ به شایعه

شایعه: تأکید بر مسأله حجاب در جامعه، حساسیت‌ها را نسبت به مسائل جنسی افزایش می‌دهد.

پاسخ:

الف) حجاب برای حفظ تعادل در مسائل جنسی است و نه افزایش.

ب) پوشش و حجاب به دلیل این‌که نقش اساسی در متعادل کردن غریزه خودنمایی و تَبَرُّج زن دارد عامل مهمی برای جلوگیری از بخش بزرگی از پریشانی‌ها و دغدغه‌های فکری زن به شمار می‌رود؛ زیرا آزادی زن در خودآرایی و به نمایش گذاشتن جلوه‌های زنانه در بین جامعه باعث افراط در تجمل و توجه به زیبایی‌های ظاهری می‌شود که این توجه افراطی، می‌تواند بروز اختلال‌های روانی در زن را در پی داشته باشد.

ج) با نگاهی به اجتماع و رویدادهای آن متوجه می‌شویم زنانی که پوشش نامناسب دارند بیشتر مورد آزار و اذیت واقع می‌شوند. درواقع بدپوششی آن‌ها چراغ سبز و علامتی است برای افرادی که به دنبال هوسرانی هستند. طبق آمار 98 درصد زنانی که مورد آزار خیابانی قرار می‌گیرند، بدحجاب هستند.

د) جوامع غربی که بر اساس نظریات دانشمندان خود، آزادی جنسی را پی گرفتند و برداشتن غیرت، حیا و عفاف را راه حل مشکلات تشخیص دادند امروزه گرفتار انواع و اقسام معضلات و ناهنجاری‌های گوناگون اجتماعی مانند خودفروشی، فرزندان نامشروع، بیماری‌های واگیردار جنسی، بالا رفتن سطح استانداردهای جنسی و... شده اند.

سخن پایانی

به اعتقاد جامعه شناسان، ناهنجاری‌ها و جرائم اجتماعی در تمام اعصار و جوامع وجود داشته، لیکن در برخی شرایط با گسترش دامنه این ناهنجاری‌ها معضلاتی ایجاد می‌شود که تداوم حیات اجتماعی را با خطر مواجه می‌کند، بروز این مسأله در جامعه‌ای که دارای فرهنگ غنی دینی و مبتنی بر اخلاق و دستورات رفتاری در حوزه زندگی فردی و اجتماعی است قابل تأمل و دقت بیشتری است.

علائم هشداردهنده‌ای نظیر افزایش نرخ ارتکاب به جرائم با توجه رشد جمعیت، کاهش سن ارتکاب به جرائم در میان زنان و ارتکاب علنی بسیاری از جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی نشان می‌دهد که سنگ بنای اجتماع؛ یعنی خانواده و نیز قشر زنان به‌عنوان مادران آینده و پرورش‌دهندگان نسل آتی در معرض آسیب‌ها و تهدیدات جدی است.

اگر وجوه مشترک اکثر قریب به اتفاق افراد بدحجاب را مورد بررسی قرار دهیم مشاهده می‌کنیم که تقریباً همه آنها در بسیاری از خصوصیات روانشناختی مشترک‌اند، اکثر آنها جوان و یا نوجوان دارای تحصیلات راهنمایی تا فوق دیپلم و همچنین مجرد هستند.

بروز و گسترش بدحجابی سلامت و امنیت جامعه را به‌طور جدی به مخاطره می‌اندازد به‌طوری‌که نه تنها حرمت خود فرد بلکه حرمت جامعه را نیز مورد آماج بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، بهداشتی و حقوقی قرار می‌دهد. به طور کلی می‌توان علل بدحجابی در جامعه را به صورت ذیل طبقه‌بندی کرد:

الف- علت‌های خانوادگی شامل مشاجرات خانوادگی، بدسرپرستی، طلاق، ازدواج اجباری، اعتیاد و خشونت خانوادگی.

ب- علت‌های اجتماعی شامل دوستان ناباب، اغفال، مهاجرت، فساد اجتماعی و عدم الگویی و الگو پذیری صحیح.

ج- علت‌های فرهنگی شامل تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌های مبتذل، اعتقادات ضعیف، بی بند و باری، نهادینه نشدن ارزش‌های مذهبی و افزایش سن ازدواج در بین جوانان.

د- علل اقتصادی شامل فقر مالی، فاصله طبقاتی و زیاده طلبی.

ه- علل فردی شامل اختلالات روانی، اختلالات جسمانی، مشکلات جنسی، بلوغ زودرس، افسردگی، عقده خود کم‌بینی، تنوع طلبی، زیاده‌طلبی، خودنمایی و لذت طلبی افراطی.

گردآوری و تدوین: یعقوب رضانی

704/9314/م

منابع و مأخذ

- 1 - مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، چاپ دوم، 1381 ش.
- 2- امام خمینی، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج3، 1408 ق.
- 3- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360 ش.

- 4- معین الاسلام، پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم، قم، دفتر عقل، 1386 ش.
- 5- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، 1404 ق.
- 6- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، ج3، 1399 ق.
- 7- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج3، 1419 ق.
- 8- طبرسی، مجمع البیان، چاپ فراهانی، ج2، 1359 ش.
- 9- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج1، 1378 ش.
- 10- سید محسن الحکیم، مستمسک العروة الوثقی، نجف اشرف، ج3، 1389 ق.
- 11- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی.
- 12- فیومی، مصباح المنیر، قاهره، دارالکتب العلمیه، چاپ هفتم، 1928 م.
- 13- محمدعلی انصاری، الموسوعة الفقهیه المیسرة، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج2، 1418 ق.
- 14- علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- 15- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج8، 1368 ش.
- 16- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ج1، 1422 ق.
- 17- الحرالعاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، 1391 ق.